

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمازگزار بعد از اینکه در آخرین رکعت نماز خود تشهد را به جا آورد، باید حضور پیامبر اکرم، سید المرسلین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ملائکه‌ی مقربین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را که ثبت‌کنندگان اعمال، طاعات و عبادت او هستند، همین‌طور محبت پیامبر اکرم و اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را در دل خود بگذراند و توجه داشته باشد که جز به ولایت و محبت اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و سرسپردن به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ راهی برای جلب رضایت خدا، نیل به قرب او و راه یافتن به بهشت الهی وجود ندارد. این دو بیتی را همه‌ی عزیزان به‌خاطر دارند و کسانی که به نجف مشرف شده‌اند، دیده‌اند که در سر ورودی حرم مطهر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ ثبت شده است؛ که:

«عَلَى حُبِّهِ جَنَّةٌ» محبت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ سپری است که انسان را از همه‌ی خطرات، ظلمات و آسیب‌ها و از عذاب و آتش دوزخ حفظ می‌کند.

«قَسِيمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ» امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است که فردای قیامت (و اگر امروز چشمان باز شود، می‌بینیم که همین امروز قیامت برپاست)، بهشت و جهنم را تقسیم می‌کند. گروهی را به بهشت رهنمون می‌شود و گروهی را به دوزخ محکوم می‌کند.^۱

بنابراین باید توجه به جایگاه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و محبت و ولایت آن بزرگوار و اولاد معصومینشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در دل نمازگزار حاضر باشد؛ تا موقعی که سلام می‌دهد، محبت آن

^۱ محمدبن ادریس شافعی، دیوان شافعی، ص ۳۲. بیت دوم آن رباعی این است:

وَصِيُّ الْمُضْطَلِّينَ حَقًّا إِمَامُ الْأَنْسِ وَالْجَنَّةِ

بزرگوار را که تنها راه رهایی از آتش جهنم است، در دل داشته باشد. احساس کند لحظه‌ای که می‌خواهد سلام دهد، پیامبر اکرم ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ، ائمه‌ی معصومین ﷺ، انبیاء، اولیاء، عباد صالح ﷺ و همه‌ی فرشتگان الهی ﷺ، همگی حاضرند. آنها غایب نیستند؛ ولو چشم بدن ما نمی‌بیند؛ اما این به سبب محدودیت ما در دید است، نه عدم حضور آنها. «عَبَّيْتُهُ مَتَا»^۱. اینکه نمی‌بینیم، مشکل ضعف بینایی ماست و دیده‌ی ما قدرت دید خود را از دست داده است؛ نه اینکه آنها حضور ندارند و غایبند. همه‌ی آنها حضور دارند. انسان حضور آنها را احساس کند و با این احساس سلام‌های نماز را بدهد و بر ایشان سلام کند.

سلام کردن به شخصی که حاضر نیست، یک عمل لغو است. اگر ما به کسی که امروز به جلسه نیامده است، سلام کنیم؛ این یک عمل لغو است. شرط سلام کردن حضور داشتن است. بنابراین وقتی ما در نماز سلام می‌دهیم، معنایش این است که آنها حاضرند. هنگامی که به پیامبر، امیرالمؤمنین، اهل بیت، انبیای الهی، اولیاء و بندگان صالح خدا و ملائکه‌ی الهی ﷺ سلام می‌دهیم، یعنی آنها را حاضر می‌دانیم و سلام می‌دهیم و الا اگر آنها حضور ندارند، سلام دادن یعنی چه؟ یک عمل لغو است. بنابراین اقلش این است که انسان آنها را در دل و ذهن خود حاضر بداند. ولو هنوز چشم باطن او باز نشده و حضور آنها را شهود نمی‌کند؛ ولی در درون این تلقی را داشته باشد که آنها حاضرند و در محضر آنها به ایشان سلام می‌دهد.

^۱. عبارت از خواجه نصیرالدین طوسی است: قوشچی، شرح تجرید، ص ۳۷۶

در کتاب "ره‌توشه‌ی دیدار" که موضوعش نگاه عارفانه به زیارت اهل‌بیت علیهم‌السلام است، بحث‌هایی را راجع به سلام خدمت عزیزان نوشته و عرضه کرده‌ایم. من نکته‌هایی را خیلی مختصر اشاره می‌کنم و عزیزان را به آن کتاب ارجاع می‌دهم. نمی‌خواهم اینجا بحث‌ها را باز کنم. متن کتاب در اختیار شماست و می‌توانید به آن مراجعه کنید.^۳

در آن کتاب گفته‌ایم که کوچک وقتی به اهل‌بیت علیهم‌السلام سلام می‌دهد، در واقع جواب سلام آنها را می‌دهد. این یک نکته است. در زمان حیات ظاهری آن بزرگواران، هیچ‌کس نتوانست بر آنها تقدّم سلام پیدا کند. حتی بارها افراد می‌رفتند پشت درخت یا دیواری مخفی می‌شدند؛ که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که عبور می‌کنند، یک‌باره بیرون بیایند و زودتر از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آن حضرت سلام کنند؛ اما علی‌رغم همه‌ی این تمهیدات، هیچ‌یک موفق نشدند و باز اولین کسی که سلام می‌کرد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند؛ چون سلام از بالا به پایین و از بزرگ به کوچک است. پس وقتی دیگران سلام می‌کنند، فی‌الواقع بعد از سلام پیامبر، اهل‌بیت و اولیای خدا علیهم‌السلام، به آنها جواب سلام می‌دهند. این یک نکته‌ی لطیف که آنجا باز کرده و شرح داده‌ایم. در حقیقت سلام ما جواب سلام است. آنها ابتدای به سلام کرده و بر ما سلام کرده‌اند و ما با سلامی که می‌دهیم، جواب و پاسخ سلام آنها را تقدیم می‌کنیم.

اشاره کرده‌ایم که سلام معانی مختلفی دارد. یک معنای سلام کردن که ما به افراد سلام می‌کنیم، یعنی وجود دیگران را جلوه‌گاه اسماء الهی می‌دانیم و اسم سلام را که از اسماء بزرگ خداست، در آینه‌ی وجود آن اشخاص می‌بینیم و او را نام می‌بریم. سلام یعنی خدا؛

^۲. مهدی‌طیب، ره‌توشه‌ی دیدار، ص ۱۶۱-۱۶۵.

سلام یکی از اسم‌های خداست؛ لذا وقتی به کسی سلام می‌کنیم و سلام می‌گوییم، یعنی من جلوه‌ی سلام را، یعنی جلوه‌ی خدا را، درآینه‌ی وجود تو دیده‌ام. این یکی از معانی سلام است.

سلام تحیت؛ یعنی سلامی که افراد در بدو دیدار به هم می‌دهند و نوعی تحیت‌گویی است. این هم معنای دیگر سلام است.

سلام تسلیم؛ به معنی اینکه من تسلیم مطلق توأم. این هم یک معنای سلام است. «و یُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛^۴ قرآن از وظیفه‌ی مؤمنین در رابطه با پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تسلیم تعبیر کرده است. «و سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۵ امر شده است که تسلیم مطلق آن حضرت باشیم.

یکی از معانی سلام اقرار به سلامت اولیای خداست؛ وقتی به اولیای خدا سلام می‌دهیم، یعنی ما همه‌ی وجود شما را سالم و از هرگونه نقص و عیبی بری و شما را در سلامت مطلق می‌دانیم.

سلام به معنی تجدیدعهد ارادت و ولایت با اولیای خدا نیز هست. همین‌طور سلام دعاست برای اینکه عنایاتی که از جانب حق در حق اولیاء شده است، از خطر محفوظ و مستمر باقی بماند و دائمی باشد. وقتی به اولیای خدا سلام می‌کنیم، این نوعی دعا کردن در حق آنها است.

۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۵.

۵. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۶.

سلام به معنی سلم، صلح و صفاست. وقتی به کسی سلام می‌کنیم، یعنی من با تو در نهایت درجه‌ی صلح و صفا هستم و بیانگر چنین احساس و حالتی نسبت به طرف مقابل است.

این نکته را هم اشاره کرده‌ایم که سلام مستحب است و پاسخ آن، واجب. بی‌شک اگر ما خودمان را ابتداکننده‌ی سلام به اولیای خدا هم تصور کنیم؛ جایی برای احتمال اینکه آنها پاسخ سلام ما را ندهند، باقی نیست. آنها معصومند و قطعاً ترک واجب نمی‌کنند. بنابراین اگر ما به اولیای خدا سلام دادیم، تردید نکنیم که آنها پاسخ گفته‌اند؛ ولو ما پاسخ آنها را نشنیده‌ایم. گوش دل ما بسته است و صدای ملکوتی آنها را در پاسخ سلام نمی‌شنود. ولو نمی‌شنویم؛ اما تردید نداریم که پاسخ سلام ما را می‌دهند. حتماً عبارتی را که در اذن دخول حرم‌های شریف ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام وجود دارد، به خاطر دارید که شهادت می‌دهید: ای امام بزرگواری که در آستانه‌ی حرمت ایستاده‌ام! مرا می‌بینی؛ صدای مرا می‌شنوی و سلامم را پاسخ می‌دهی؛ ولكن حجاب بر گوش و بر دل من افتاده است و پاسخ سلام تو را نمی‌شنوم.^۶

به معانی متعدد سلام فقط اشاره‌ای کردم، تا عزیزان به بحثی که در کتاب "ره‌توشه‌ی دیدار" در مورد سلام نوشته شده است، مراجعه بفرمایند و در اینجا نیازمند گستردن و شرح آن مباحث نباشم.

سلام هم تحیت خاصه است و هم اسمی از اسماء الله است. اصل سلام نماز در معراج تمثیل پیدا کرد. در نمازی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سفر معراج خواندند؛ ارواح همه‌ی انبیاء،

^۶ کفعمی، المصباح، ص ۴۷۳ و البلد الامین، ص ۲۷۶ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، اذن دخول حرم‌های شریف.

ملائکه و اولیای خدا ﷺ به ایشان اقتدا کردند. در آن عالم و در نماز آسمانی پی پیامبر ﷺ امامت کردند؛ بعد از اینکه حضرت نمازشان را تمام کردند، صفوف ملائکه، انبیاء و مرسلین را دیدند که به آن بزرگوار اقتدا کرده‌اند. در این حال از جانب خدا به پیامبر ﷺ امر شد که بر آنها سلام کن. عبارت روایت این است: «قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» پیامبر ﷺ هم بر این انبیاء، مرسلین و ملائکه‌اللّهی که به حضرت اقتدا کرده بودند، سلام کردند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». وقتی پیامبر ﷺ این سلام را بر آنها کردند، از جانب خدا بر آن حضرت وحی شد. «فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنَا السَّلَامُ وَالتَّحِيَّةُ» خدای متعال بر پیامبر اکرم ﷺ وحی کرد که سلام و تحیت من هستم. «وَالرَّحْمَةُ وَالْبَرَكَاتُ أَنْتَ وَذُرِّيَّتِكَ»^۷ و ای پیامبر ﷺ! رحمت و برکات، تو و ذریه‌ی تو هستید. پس سلام و تحیت در «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» خدای متعال است. «أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَالْإِنِّكَ يَغُودُ السَّلَامُ»^۸؛ خدا سلام است و تحیت، رحمت و برکات هم وجود مقدس پیامبر اکرم و ذریه و فرزندان پاک و معصوم آن بزرگوار ﷺ هستند. بنابراین باب آغاز سلام پایان نماز، با امر الهی و در نماز معراجیه‌ی رسول الله ﷺ گشوده شد.

نکات زیادی در زمینه‌ی سلام نماز وجود دارد. شاید لااقل یکی، دو جلسه‌ای در بحث سلام توقف داشته باشیم.

سلام می‌تواند دو تلقی داشته باشد. سلام می‌تواند از جانب خدا باشد؛ چون سلام همیشه از بزرگ به کوچک است؛ لذا شما در قرآن می‌بینید هیچ پیامبری به خدا سلام نکرده؛ ولی

^۷ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۸۶ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۷، ص ۶۱ و عروسی‌حویزی، نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۱۸.

^۸ مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۳۳۵ و ج ۹۹، ص ۲۲۹ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۶، ص ۳۴۶ و کفعمی، مصباح، ص ۴۰۳.

خدا به پیامبران سلام کرده است: «وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ»؛^۹ «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ»؛^{۱۰} «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ»؛^{۱۱} خدا سلام‌های فراوانی بر انبیاء کرده است.^{۱۲} پس سلام از بالا به پایین می‌آید. سلام پایان نماز را می‌توان از جانب خدا دانست. نگاه دیگر هم این است که سلام گفتن نمازگزار را بنگریم؛ یعنی سلام را از جانب نمازگزار و خطاب به پیامبر ﷺ، اولیای الهی، ملائکه الله و عباد الله الصالحین بدانیم.

تأویل سلام مورد رحمت قرار گرفتن از جانب خدای متعال و در نتیجه نجات و مصونیت از آتش دوزخ است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۹. سوره صافات، آیه ۱۸۱.

۱۰. سوره صافات، آیه ۷۹.

۱۱. سوره صافات، آیه ۱۲۰.

۱۲. سوره مریم، آیه ۱۵ و سوره صافات، آیه‌های ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰ و ۱۸۱.